

روسیه در اتیوپی و ویتنام هم‌زمان

نیروگاه هسته‌ای می‌سازد

دو پروژه عظیم هسته‌ای روسیه می‌تواند ظرفیت تولید برق این کشورها را متحول کند. به گزارش Borkena. روند تلاش اتیوپی برای توسعه انرژی هسته‌ای با هدف «توسعه فراگیر» وارد فاز عملیاتی شده است. این هفته، اتیوپی و روسیه توافق‌نامه‌ای در زمینه اجرای پروژه توسعه انرژی هسته‌ای امضا کردند. بر اساس اعلام شرکت برق اتیوپی در صفحه رسمی خود در شبکه‌های اجتماعی، این سند یک «برنامه اجرایی» برای پیشبرد پروژه است.

شرکت دولتی انرژی اتمی روسیه (Rosatom) و شرکت برق اتیوپی (EEP) این توافق‌نامه را در مسکو و در حضور آبی احمد، نخست‌وزیر اتیوپی، و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به امضا رساندند.

اشنیر بالچا، مدیرعامل EEP و آلکسی لیخاچف، مدیر Rosatom. امضاکندگنان اصلی بودند، اما تبادل رسمی اسناد بین گدیون تیموتوس، وزیر امور خارجه اتیوپی، و آلکسی لیخاچف انجام شد. توافق برای ساخت یک تأسیسات هسته‌ای نخستین بار در سال ۲۰۱۸ و در پی سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به اتیوپی، به دست آمد. در حضور آبی احمد، اظهار انرژی خود را متنوع کرده، توسعه بلندمدت انرژی هسته‌ای را تضمین کرده و ظرفیت تأمین انرژی کشور را برای حمایت از تحول بخش تولیدی خود ارتقا دهد. پیشتر آبی احمد در مراسم افتتاح سد بزرگ رنسانس اتیوپی (GERD) اظهار کرده بود که اتیوپی یک پروژه انرژی هسته‌ای با هدف صرفاً صلح‌آمیز آغاز خواهد کرد که ظرفیت تولید آن به اندازه سد GERD خواهد بود. هرچند هزینه ساخت نیروگاه و زمان‌بندی تکمیل آن اعلام نشده، اما مشخص است که مسئولیت این ساخت‌وساز برعهده روسیه خواهد بود.

روسیه و اتیوپی بیش از یک قرن روابط دیپلماتیک دارند و به گفته ولادیمیر پوتین، این روابط اکنون «در تمامی حوزه‌ها شتاب گرفته است» و مسکو از این روند «بسیار خرسند» است.

طرح ترامپ خام‌است؛ صلح تضمین نمی‌شود

روزنامه چاپ لندن طرح رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه را مبهم و فاقد جزئیات لازم توصیف کرد که به‌رغم حمایت ظاهری برخی کشورهای منطقه از آن، پایان جنگ و برقراری صلح را تضمین نمی‌کند.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که طرح ۲۰ ماده‌ای «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا که مورد تأنید «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی قرار گرفته است و رهبران منطقه نیز حمایت خود را از آن نشان داده‌اند، بیش از هر طرح دیگری که تاکنون ارائه شده، می‌تواند به درگیری دو ساله در غزه پایان دهد.

روزنامه گاردین با این مقدمه نوشت: اما این طرح، بیش از آنکه یک نقشه راه دقیق باشد، طرحی خام و سرسری است که به همان اندازه که موفقیت‌آمیز به نظر می‌آید، احتمال گم شدن در مسیر را به همراه دارد.

به نوشته رسانه انگلیسی، اول از هر چیز، بعید است که حماس به طرحی که به صراحت می‌گوید، آنها باید تمام یا بیشتر سلاح‌های خود را تسلیم کنند و نظاره‌گر تصرف غزه توسط یک «شورای صلح» تکنوکرات به رهبری خود ترامپ باشند، با دیده لطف بگیرد. همچنین پیشنهاد غفو برای اعضای این گروه مقاومت که هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل را می‌پذیرند – حتی اگر بتوانند اعتبار کم‌ک‌های کافی را که توسط سازمان ملل و هلال احمر در نهایت به سرزمین ویران شده فلسطین می‌رسد – به دست آورند، چندان جذاب نیست.

با تشکیل کشور فلسطین موافقت نکردم

«بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی قبل از ترک واشنگتن گفت: با تشکیل کشور فلسطین موافقت نکردم و این در توافق مکتوب نشده است.

کاخ سفید جزئیات طرح مبهم «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا برای پایان جنگ غزه را اعلام کرد که شامل چند مسئله است:

–تبدیل غزه به یک منطقه خالی از «افراط‌گرایی» و توقف فوری جنگ و عقب‌نشینی تدریجی نیروهای اسرائیلی؛
–آزادی تمام اسرای اسرائیلی ظرف ۷۲ ساعت از قبول توافق در ازای آزادی اسرای فلسطینی؛
–دادن غفو به نیروهای حماس در صورت کنار گذاشتن سلاح یا خروج امن به کشورهای دیگر؛
–تشکیل کمیته فلسطینی تکنوکرات تحت نظارت بین‌المللی برای اداره امور غزه با ریاست دونالد ترامپ و مشارکت رهبران بین‌المللی از جمله «تونی بلر» نخست وزیر پیشین انگلیس؛
–ایجاد طرح اقتصادی بین‌المللی برای بازسازی غزه و خلع سلاح کامل حماس تحت نظارت ناظران بین‌المللی با تخریب تونل‌ها و ضمانت‌هایی از شرکای منطقه‌ای برای ممانعت از بازگشت تهدیدات امنیتی؛
–استقرار نیروی بین‌المللی موقت با همکاری مصر و اردن برای ایجاد امنیت در مرزها و ممانعت از قاچاق سلاح.

توافق ابراهیم در ابتدای راه به‌عنوان نقطه عطفی در روابط اسرائیل و اعراب معرفی شد، اما جنگ غزه و سیاست‌های تل‌آویو آن را با بحران جدی روبه‌رو کرده است. امروز تنها چهار کشور امارات، بحرین، سودان و مراکش در این پیمان باقی مانده‌اند.

توافق ابراهیم (Abraham Accords) یکی از مهم‌ترین ابتکارات دیپلماتیک در خاورمیانه طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود. این توافق با هدف عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی و مسلمان شکل گرفته و از همان ابتدا با حمایت مستقیم ایالات متحده آمریکا همراه بوده است. در نگاه اولیه، این پیمان قرار بود گامی رو به جلو در مسیر صلح منطقه‌ای باشد، اما بسیاری از کارشناسان آن را پروژهای سیاسی برای تقویت جایگاه اسرائیل در جهان عرب و کاهش فشار بر تل‌آویو توصیف کرده‌اند.

توافق ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید و با مناجی‌گری دولت وقت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ امضا شد. انتخاب نام «ابراهیم» برای این توافق نیز به دلیل جایگاه حضرت ابراهیم (ع) به عنوان شخصیت مشترک در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام بود تا این پیمان ظاهری مذهبی و نمادین پیدا کند. پیش از این، تنها دو کشور عربی یعنی مصر و اردن روابط رسمی با اسرائیل داشتند؛ مصر در سال ۱۹۷۹ و اردن در سال ۱۹۹۴. اما توافق ابراهیم تلاش کرد این روند محدود را به موجی از عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و جهان عرب تبدیل کند.

بر اساس بیانیه‌های رسمی، هدف توافق ابراهیم ایجاد «صلح گرم» و رفع یکی از ریشه‌های تاریخی بحران خاورمیانه یعنی دشمنی اعراب و اسرائیل بود. با این حال، پذیرش اسرائیل بدون حل مسئله فلسطین به‌ویژه در زمینه تشکیل کشور مستقل فلسطینی، عملاً به معنی کنار گذاشتن یکی از اصلی‌ترین مطالبات جهان عرب تلقی شد. اسرائیل از این توافق بیش از همه برای گسترش روابط اقتصادی، تجاری و امنیتی خود بهره برد و توانست در مدت کوتاهی به بازارهای تازه‌ای در

خلیج فارس و شمال آفریقا دست یابد.

در ابتدا، دو کشور امارات متحده عربی و بحرین نخستین امضاکندگنان توافق ابراهیم بودند. پس از آن، سودان و مراکش نیز به این پیمان پیوستند؛ بنابراین تا سال ۲۰۲۱، چهار کشور عربی به‌طور رسمی روابط خود را با اسرائیل عادی کردند. این اقدام واکنش‌های متناقضی در سطح منطقه ایجاد کرد. برخی دولت‌ها آن را گامی واقع‌گرایانه دانستند، اما افکار عمومی در بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی مخالفت جدی با آن نشان دادند. با آغاز جنگ غزه در سال ۲۰۲۳ و افزایش حملات اسرائیل، توافق ابراهیم وارد مرحله‌ای حساس شد. کشتار بی‌سابقه در غزه که به کشته شدن بیش از ۶۰ هزار نفر و تخریب گسترده منجر شد، اعتبار این پیمان را به‌شدت خدشه‌دار کرد.

امارات متحده عربی که یکی از اصلی‌ترین شرکای اسرائیل در این چارچوب بود، در ماه‌های اخیر نسبت به ادامه همکاری هشدار داده و حتی تهدید کرده است که مشارکت خود را بازنگری خواهد کرد. مراکش و سودان نیز به دلیل فشارهای افکار عمومی با چالش‌های مشابهی مواجه شده‌اند. واکنش کشورهای کلیدی منطقه به توافق ابراهیم عربستان سعودی که بارها از سوی آمریکا و اسرائیل برای پیوستن به توافق ابراهیم تحت فشار قرار گرفته، تاکنون شرط اصلی خود را حل مسئله فلسطین و پذیرش راه‌حل دو کشوری

بین الملل

توافق ابراهیم چیست و تاکنون چه کشورهایی به آن پیوسته‌اند؟



اعلام کرده است. این موضع نشان می‌دهد ریاض حاضر نیست بدون امتیازدهی قابل توجه از سوی اسرائیل به جمع امضاکندگنان بپیوندد. ایران نیز همواره یکی از منتقدان اصلی این توافق بوده و می‌ان را اقدامی در راستای تضعیف آرمان فلسطین می‌داند.

تحولات اخیر، به‌ویژه حملات اسرائیل به ایران و قطر، چشم‌انداز توافق ابراهیم را بیش از پیش مبهم کرده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند ادامه سیاست‌های تهاجمی تل‌آویو باعث فروپاشی تدریجی این پیمان خواهد شد. در همین حال، دونالد ترامپ همچنان مدعی است توافق ابراهیم بهترین گزینه برای صلح در خاورمیانه است. او در ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در کنفرانسی مطبوعاتی در کنار بنیامین نتانیاهو اعلام کرد که حتی ایران نیز می‌تواند در آینده به این توافق بپیوندد؛ ادعایی که با تردید گسترده روبه‌رو شد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که گفت‌وگوهایی غیررسمی با لبنان و سوریه درباره پیوستن به توافق صورت گرفته، هرچند این کشورها مواضع سستی خود علیه اسرائیل را تغییر نداده‌اند. همچنین پاکستان در هفته‌های اخیر از طرح صلح ترامپ حمایت کرده و برخی تحلیل‌ها احتمال داده‌اند که اسلام‌آباد در آینده به توافق ابراهیم بپیوندد، اما تاکنون هیچ نشانه قطعی در این زمینه وجود ندارد.

نگرانی اسرائیل از بازسازی موشکی ایران با کمک چین



آمریکا در منطقه.این گزارش با تاکید بر اینکه «اسرائیل با معضلی دشوار مواجه است» آورده

است: هرگونه حمله مستقیم به این محموله‌های چینی، خطر تشدید تنش با پکن را در پی خواهد داشت. برخلاف تجهیزات ایرانی یا روسی، محموله‌های نظامی چین می‌تواند جرقه‌ای برای بحرانی ژئوپلیتیکی گسترده‌تر باشد، زیرا چین از جایگاهی حساس در جهان برخوردار است و روزبه‌روز جسورتر عمل می‌کند. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی باید واکنش‌های خود را با دقت بسیار تنظیم کنند تا از تقابل مستقیم پرهیز کنند و در عین حال تهدیدیات امنیتی منطقه‌ای را مدیریت نمایند.

روابط چین و ایران به دوران باستان بازمی‌گردد و ریشه در تجارت جاده ابریشم و تبادلات فرهنگی

بیش از دو هزار سال پیش دارد. روابط رسمی دیپلماتیک میان جمهوری خلق چین و ایران در سال ۱۹۷۱ برقرار شد، هم‌زمان با دوره‌ای از تعامل عملگرایانه که از آن زمان تاکنون، از خلال تنش‌های جنگ سرد، انقلاب و تغییر ائتلاف‌ها تحول یافته است.

پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، چین یکی از معهوددوره‌هایی بود که حاضر شد به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی، سلاح و فناوری دوگانه به ایران بفروشد. این روابط به‌ویژه پس از آن عمیق‌تر شد که ایران پس از جنگ ویرانگر ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰، توسعه موشکی را در اولویت قرار داد. چین در این دوره فناوری موشک‌های بالستیک و قطعات حیاتی را در اختیار ایران گذاشت و از تهران در مسیر ایجاد یک برنامه موشکی قدرتمند جهت بازدارندگی منطقه‌ای حمایت کرد.

توافق هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۱۵–۲۰۱۳ (برجام) نقطه عطفی دیپلماتیک به شمار می‌رفت که موجب کاهش تحریم‌ها شد و به چین امکان داد همکاری اقتصادی و انرژی خود را به‌طور چشمگیری با ایران گسترش دهد، در حالی که شرکات امنیتی ظرفیت خود را نیز ادامه می‌داد. با وخامت اخیر روابط چین و آمریکا، پکن بیش از پیش ایران را یک شریک راهبردی حیاتی برای موازنه‌یخشنی به نفوذ واشنگتن در خاورمیانه و فراتر از آن می‌بیند.

کمک نظامی چین به ایران چندبعدی است و تمرکز عمده آن بر فناوری موشکی و سامانه‌های پدافند هوایی قرار دارد؛ دو رکن اصلی استراتژی جنگ نامتقارن تهران.

گزارش‌ها تأیید می‌کنند که چین پیش‌سازهای حیاتی برای سوخت جامد موشک‌های بالستیک،

دولت ترامپ حدود ۱۰۰ ایرانی را

از آمریکا به ایران باز می‌گرداند

رسانه آمریکایی خبر داد دولت ترامپ حدود ۱۰۰ مهاجر ایرانی غیرقانونی را پس از توافق با تهران از آمریکا دیپورت کرده است.

مقام‌های آگاه به روزنامه آمریکایی گفته‌اند واشنگتن پس از توافق با تهران، یک هواپیمای پر از ایرانی‌ها را دیپورت کرد.

به گفته دو مقام ارشد ایرانی دخیل در مذاکرات و یک مقام آمریکایی مطلع که با نیویورکتایمز صحبت کردند، دولت «دونالد ترامپ»

رئیس‌جمهور آمریکا، حدود ۱۰۰ ایرانی را با یک هواپما از آمریکا به ایران بازمی‌گرداند.

مقام‌های ایرانی گفتند این پرواز چارتری آمریکاً، دوشنبه شب از لوویزیانا پرواز کرد و قرار است از طریق قطر سه‌شنبه به ایران برسد؛ و مقام آمریکایی تأیید کرد که برنامه پرواز در مراحل پایانی قرار دارد.

تمامی مقام‌ها به شرط ناشناس ماندن با نیویورک تایمز صحبت کردند، زیرا اجازه نداشتند جزئیات را علنی کنند.

نیویورکتایمز نوشته «این اخراج دسته‌جمعی یکی از صریح‌ترین اقدامات دولت ترامپ برای اخراج مهاجران است؛ فارغ از شرایطی که در آن قرار خواهند گرفت.»

اوایل اسما، آمریکا گروهی از ایرانیان را که بسیاری از آنان به تازگی به مسیحیت گرویده بودند، به کاستاریکا و پاناما اخراج کرد. برای دهه‌ها، ایالات متحده به ایرانیانی که خارج می‌شدند، پناهندگی می‌داد. هویت این ایرانیان و دلایل تلاش آنان برای مهاجرت به آمریکا مشخص نیست.

به گزارش نیویورکتایمز، در چند سال گذشته، تعداد ایرانیانی که به مرز جنوبی آمریکا رسیده و غیرقانونی وارد شده‌اند افزایش یافته، از جمله بسیاری که مدعی ترس از آزار در ایران به دلیل باورهای سیاسی و مذهبی‌شان بودند.

آیا جنگی در راه است؟

در خصوص هزینه جمع کردن صدها ژنرال و دریاسالار به همراه دستیارانشان در ویرجینیا آن هم در چنین مدت کوتاهی ابزار نگرانی کردند. بنابر اعلام این منابع، هزینه بلیت‌های این افراد به تنهایی چندین میلیون دلار خواهد شد. اما قسمت عجیب‌تر ماجرا آنجاست که این افراد زمانی که فهمیدند سخنان پیت هگست قرار است به شکل زنده نیز پخش شود، تعجب کرده و شوکه شدند که چرا بایستی اصلا شخصا در این مراسم حضور داشته باشند.

اما در همین حال پایگاه خبری مجله نیوزویک با انتشار خبری، با غیرمعمول خواندن این نوع نشست، از ابهامات فراوان در داخل خود پتاکون نشست، در این خصوص خبر داده است. این نشریه در خبری با عنوان «پیت هگست صدها مقام نظامی آمریکا را به کوانتیکو فراخوانده است» نوشت: پیت هگست دستور داده تا صدها افسر نظامی کشور در یک پایگاه نیروی هوایی در شمال ویرجینیا گرد هم بیایند؛ اقدامی که غیرمعمول بوده و پرسشهایی در داخل پتاکون (وزارت جنگ آمریکا) برانگیخته است.

به نوشته نیوزویک، مسأله از آنجایی اهمیت دارد که نبود دلیلی مشخص برای این نشست، زنگ هشدار را در داخل پتاکون و شبکه‌های اجتماعی برانگیخته؛ چرا که به تازگی ترامپ نام وزارت دفاع را نیز به وزارت جنگ تغییر داده و همین امر نیز به نوشته این نشریه آمریکایی، نگرانی‌ها را در خصوص اینکه پیام کارزار ضد جنگ ترامپ به عقب بازگشته باشد، برانگیخته است.

آنچه که مسلم است، این است که برگزاری چنین جلسه‌ای بدین شکل غیر معمول و الزام ژنرال‌های ارشد برای حضور در چنین جلسه‌ای از سرتاسر دنیا در حالی که می‌توان از طریق ارتباطات ویدئویی امن با آن‌ها ارتباط برقرار کرد، صرفاً نمی‌تواند برای برقراری یک ابراز همبستگی معمولی باشد. شاهد مسأله آنجاست که با اذعان خود نشریات و

رسانه‌های آمریکایی نظیر نیوزویک، این فراخوان غیرمعمول سبب ایجاد نگرانی‌ها و گمانه‌زنی‌هایی حتی داخل خود پتاکون نیز شده است. مسأله از آنجایی نگران کننده‌تر می‌شود که رئیس جمهور آمریکا از زمان روی کار آمدنش در دور دوم ریاست جمهوری، هم در داخل آمریکا علیه آنچه تروریسم داخلی می‌خواند اعلام جنگ کرده و هم در خارج آمریکا دست به چنین اقداماتی زده؛ تا جایی که چند ماه پیش به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی کرد و اخیراً نیز خبرهایی از احتمال حمله نظامی آمریکا به داخل خاک ونزوئلا مطرح است. اینها همه در شرایطی است که به تازگی نیز ترامپ نام وزارت دفاع آمریکا را به وزارت جنگ تغییر داده است.

همچنین این رویداد قرار است در حالی برگزار شود که به تازگی ترامپ در اظهاراتی مبهم از پدید آمدن فرصتی بزرگ برای شکوه و عظمت در خاورمیانه صحبت کرده است.

اکنون با این تفاسیل بایستی منتظر ماند و دید آیا محتوای این جلسه پس از برگزاری آن در روز سه شنبه فاش خواهد شد یا خیر و آیا جهان آرام آرام بایستی خود را برای جنگی دیگر آماده کند و یا صرفاً این جلسات و اقدامات، نمایشی نظامی محسوب می‌شوند.

